



به نام خداوند بخشنده مهربان

زینب صبر

(چهل آموزه از زندگانی و فضائل حضرت
زینب کبری علیها السلام)



زینت صبر

(چهل آموزه از زندگانی و فضائل حضرت زینب کبری علیها السلام)

تهیه و تدوین: اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی

نویسنده: جعفر زنگنه شهرکی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۷

شمارگان: ۵۰۰۰

ناشر: انتشارات قدس رضوی

شابک:

آدرس تهیه کننده: مشهد- حرم مطهر رضوی -

صحن هدایت - اداره امور فرهنگی

تلفن: ۰۵۱۱ ۲۰۰۲۵۶۷

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه	۹
ولادت و نام آسمانی	۱۱
بانوئی همانند حضرت خدیجه علیها السلام	۱۳
اصل و نسب حضرت زینب علیها السلام	۱۴
محیط تربیتی حضرت	۱۷
القاب و اسامی	۱۹
بلوغ اندیشه	۲۱
اندیشه های توحیدی در کودکی زینب علیها السلام	۲۳
روحیه سخاوت و ایثار در کودکی	۲۵
زینب، همراه همیشگی پدر و برادران	۲۶
علاقه وصف نشدنی حضرت زینب به امام حسین علیه السلام	۲۸
منزلت زینب نزد علی و حسنین علیهما السلام	۳۰
احترام مخصوص امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهما السلام	
به زینب کبری علیها السلام	۳۲
سجایا و صفات اخلاقی حضرت زینب علیها السلام	۳۴
مقامات علمی	۳۶

۳۸	 محدثه بودن حضرت زینب علیها السلام
۳۹	 درس تفسیر قرآن
۴۰	 فصاحت و بلاغت
۴۲	 فصاحت و بلاغت زینب علیها السلام از دیدگاه دیگران
۴۴	 زینب، عالمه غیر معلّمه
۴۶	 جواب پرسشهای علمی به نیابت از امام
۴۸	 عبادت و بندگی خدا
۵۱	 رعایت حدود الهی در اوج سختی
۵۲	 حجاب و عفت
۵۴	 اسوه صبر و استقامت
۵۷	 صبر همراه با بصیرت
۶۰	 جلوه های ایثار
۶۱	 آگاهی حضرت زینب علیها السلام از واقعه عاشورا
۶۲	 زینب کبری بزرگترین حامی سید الشهداء علیه السلام
۶۴	 اوج ایثارگری حضرت زینب علیها السلام
۶۵	 ایثارگری حضرت زینب علیها السلام در اسارت
۶۶	 ایثارگری در دفاع از ولایت و امامت

جلوگیری از شهادت امام زین العابدین علیه السلام	۶۸
تسلی بخشی به امام سجاد علیه السلام ، در قتلگاه.....	۷۰
جلوگیری از شهادت امام سجاد علیه السلام	۷۲
شجاعت و قهرمانی.....	۷۳
جواب کوبنده زینب علیها السلام به ابن زیاد.....	۷۵
لال شدن یزید در برابر منطق زینب.....	۷۸
بازتاب خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید.....	۸۱
زینب علیها السلام پیام رسان کربلا.....	۸۳
رحلت حضرت زینب علیها السلام	۸۴
منابع و مآخذ.....	۸۷

به نام یکتای مهربان

مقدمه

زینب ؛ بانویی که در صبر ، شانه بر شانه ی اسطوره می زند و در دانایی و علم ، درس آموخته مکتب نبوت و شاگرد مدرسه ی جاویدان حسین علیه السلام است .

زینب ؛ بانویی که دست در آسمان دارد و صبح از کلامش جاری است .

زینب ؛ بانویی که حماسه ی عاشورا در سایه ی نگاه اندیشمندانه ی او عالم گیر شد .

زینب ؛ بانویی که صبر در برابرش آب شد ! و قامت اندوه در برابرش ترک برداشت !

زینب ؛ حقیقی به حقیقت فسانه است !

زینب ؛ سکوتش عالمانه ، نُطقش اندیشمندانه و صبرش شکوهمند است !

زینب ، پیامدار عاشورا است و اهتراز پرچم بی نظیرترین حماسه ی هستی را ، زینب تداوم بخشید .

استوارترین خطابه ها و قدرتمندترین کلمات را زینب در اوج رنج رقم زد . ماندش را روزگار نمی شناسد و نظیرش را هیچ قرنی به خاطر ندارد ! و زینب ، بانوی

محالی است که در جریان سرخ عاشورا، ممکن شده است
تا حسین را یاور باشد.

زینب، زنی است که مردانه ترین گام ها را در تاریخ
بشریت برداشته است!

آری! زینب جبران تمام نامردی ها و نامردمی های
صحرای کربلا و حماسه ی عاشورا است!

بی تردید نه قلم را قدرت تحریر و نه زبان را توانایی
بیان است تا آنچه بر زینب علیها السلام گذشته را، بازگو کند و در
حقیقت، آنچه در این اثر بیان شده، حرفی است از هزاران
و قطره ای است از دریا!

باشد که این اشاره، قبول دل دریایی عاشوراییان گردد.

آستان قدس رضوی

معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی

ولادت و نام آسمانی

بنا به قول مشهور، حضرت زینب علیها السلام سومین فرزند فاطمه زهرا علیها السلام در روز پنجم جمادی الاول سال پنجم یا ششم هجری (۲ یا ۳ سال پس از ولادت امام حسین علیه السلام) در شهر مدینه منوره چشم به جهان گشود.

هنگام ولادت ایشان، رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفر بودند. حضرت فاطمه علیها السلام، از حضرت علی علیه السلام، خواستند تا نامی برای فرزندشان انتخاب کنند. اما ایشان در پاسخ فرمودند: من از پیامبر خدا در نام گذاری دخترم سبقت نمی گیرم؛ صبر می کنیم تا ایشان از سفر بازگردند.

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر بازگشتند امیرمؤمنان علیه السلام، از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست نمودند تا نام نوزاد را ایشان انتخاب کنند. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: فرزندان فاطمه علیها السلام فرزندان من هستند، اما اختیار آنها با خداست، صبر می کنم تا خداوند نام او را انتخاب کند. آنگاه جبرئیل نازل شد و از جانب پروردگار، بر پیامبر درود فرستاد و عرض کرد: خداوند می فرماید: نام این نوزاد را «زینب» بگذار،

چرا که این نام را در لوح محفوظ نوشته ایم. نامگذاری زینب، از عالم اعلی و از سوی خداوند، همانند

حسن و حسین علیهما السلام بیانگر آن است که وی، جایگاه و مقام ویژه‌ای نزد خداوند متعال دارد. این مقام و مرتبت با توجه به حوادث بعد، در تاریخ اسلام و رسالت‌های مهم زینب علیها السلام روشن می‌گردد.

زینب یعنی زینت پدر، نام بانویی است که با انجام رسالت بی نظیر خویش، زینت بخش تاریخ و موجب افتخار و سرافرازی خاندان وحی و ولایت گردید و به خاطر فداکاری‌ها و مجاهدت‌های بسیار زینب علیها السلام، این نام در تاریخ، زیبا، درخشان و جاودانه است.^۱

۱ - حضرت زینب علیها السلام، فروغ تابان کوثر، محمد محمدی اشتهاردی صص ۱۸ - ۱۷ .
الطراز المذهب یا زندگانی بانوی بزرگ اسلام زینب کبری علیها السلام، میرزا عباسقلی سپهر، ص ۳۶ - زینب کبری، العلامه شیخ جعفر نقدی، صص ۱۸ - ۱۷ .

بانوئی همانند حضرت خدیجه علیها السلام

بعد از نامگذاری حضرت زینب علیها السلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: نوزاد را نزد من بیاورید. نوزاد را به محضرش آوردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زینب را در آغوش گرفت و گونه هایش را غرق در بوسه نمود، آنگاه فرمود: به حاضران و غایبان وصیت و سفارش می کنم که احترام این دختر را پاس بدارند، همانا او شبیه جدۀ اش خدیجه کبری علیها السلام است.

مقایسه و تشبیه معنا دار حضرت زینب به حضرت خدیجه علیها السلام از سوی پیامبر گرامی اسلام بیانگر آن است که زینب، دارای اوصاف جدۀ اش خدیجه علیها السلام است. همان طور که فداکاری های خدیجه، آن بانوی والا مقام، در پیشبرد اهداف اسلام بسیار ثمربخش و چشمگیر بود و باعث شد تا نهال نورسته اسلام حفظ و بارور شود، ایثار، صبر و استقامت زینب در راه خدا نیز در بقا و جاودانگی اسلام و حفظ ره آورد های نهضت عاشورا از اهمیت ویژه ای برخوردار است.^۱

۱- سیمای زینب کبری علیها السلام اسوه صبر و پایداری؛ علی اکبر بابازاده، صص ۳۵-۳۶ - حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، ص ۱۸- الطراز المذهب، ص ۳۶.

اصل و نسب حضرت زینب علیها السلام

اجداد طاهرين

جد مادری حضرت زینب علیها السلام محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم آخرین فرستاده خدا از سلسله ی نبوت و آورنده بهترین دین و کتاب و دارای مقام «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۱ و مایه مهر و رحمت برای جهانیان است.

جد پدری ایشان، حضرت ابوطالب، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بزرگترین حامی رسالت در زمانی بود که هنوز دین اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مظلومیت بودند. حضرت ابوطالب تا زمانی که زنده بود تکیه گاه محکم و استواری برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در مبارزه با دشمنی های مشرکین مکه، محسوب می شد.

جده ی مادری اش، خدیجه کبری أم المؤمنين، بزرگ بانوی اسلام؛ اولین زنی بود که به رسول خدا ایمان آورد و شخصیتی بود که پشتیبانی ها و حمایت های مادی و معنوی ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دین خدا، نقش بسیار تاثیر گذاری در پیشرفت آیین نوپای اسلام داشت.

جده ی پدری حضرت زینب علیها السلام فاطمه بنت اسد همسر ابوطالب و مادر امیر مومنان علیه السلام و از سبقت گیرندگان در

ایمان به رسول خدا در مکه، آنچنان مقامی در نزد خدایش داشت که دیوار خانه کعبه به اذن خدا برای وضع حملش شکافته شد تا بتواند علی علیه السلام را در مقدس ترین و پاک ترین نقطه عالم یعنی خانه کعبه به دنیا بیاورد. فاطمه بنت اسد سپس به مدینه هجرت کرد و به خاطر محبت ها و فداکاری هایی که در حق رسول خدا روا داشت آنقدر مورد تکریم و احترام پیامبر صلی الله علیه و آله واقع شد که در هنگام وفات، پیامبر صلی الله علیه و آله را وصی خود قرار داد و ایشان هم پذیرفت و آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله بر جنازه او نماز خواند و قبل از دفن در لحد قبر او خوابید و پیوسته از فاطمه بنت اسد به خیر و نیکی یاد می کرد.

پدر و مادر

پدر بزرگوار ایشان، امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام، مولای پرهیزکاران و وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله است. او که نخستین مرد مسلمان بود و از آغاز تا پایان عمر، شب و روز در راه خدا و یاری اسلام، تلاش و فداکاری کرد و پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دومین انسان فوق العاده و ممتاز در جهان بشریت است.

به تصریح بسیاری از مفسران و دانشمندان شیعه و سنی

آیات متعددی از قرآن در شأن امام علی علیه السلام و گواهی بر عظمت ایشان می باشد که برخی از مهمترین آنها ، آیه اطعام (انسان/ ۸) ، آیه زکات (مائده/ ۵۵) ، آیه ولایت (نساء/ ۵۹) ، آیه تطهیر (احزاب/ ۳۳) ، آیه مباحله (آل عمران/ ۶۱) می باشد.

مادر ایشان فاطمه زهرا علیها السلام مصداق خیر کثیر در قرآن کریم است. حضرت زهرا علیها السلام پاره تن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مهمترین یادگار ختم انبیاست. شخصیتی که در فضایل انسانی و اخلاقی و مقامات معنوی سرآمد بوده و کاملترین و بهترین اسوه و الگو برای همه جویندگان راه حقیقت و کمال می باشد.

شخصیت حضرت زینب علیها السلام آمیزه ی از شخصیت این بزرگواران به ویژه برگرفته از حالات ملکوتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام، و فاطمه علیها السلام است ، و این بانو، مراتب کمال خویش را از بزرگان آفرینش، به ارث گرفته است. روان شناسان نیز اعتقاد دارند که عامل وراثت، در ساختار شخصیت آدمی نقش اساسی دارد.^۱

۱ - زینب قهرمان، دختر علی علیه السلام، احمد صادقی اردستانی، صص ۲۸-۱۸ .
الطراز المذهب، صص ۲۹-۳۲ - زینب الکبری، صص ۱۶-۳ - سیمای زینب کبری علیها السلام اسوه صبر و پایداری، ص ۳۱ - حضرت زینب علیها السلام فروغ تابان کوثر، ص ۱۵ - یادگار خیمه های سوخته، علیرضا رجالی تهرانی - صص ۳۹-۱۹.

محیط تربیتی حضرت

از عواملی که به تصریح بسیاری از دانشمندان و روانشناسان، نقش بنیادینی در تکوین و شکل گیری شخصیت انسان دارد و از وراثت نیز تاثیر آن بیشتر است، محیطی است که فرد در آن رشد و پرورش می یابد.

حضرت زینب علیها السلام در محیطی که کانون فضایل، صفا و صمیمیت بود، در دامان پُر مهر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و زهرا علیها السلام رشد و نمو یافت. زینب کبری تا حدود پنج یا شش سالگی، تحت اشراف شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در آغوش مادر بزرگوارش حضرت زهرا علیها السلام و با توجهات ویژه حضرت علی علیه السلام پرورش یافت. اما پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و شهادت حضرت زهرا علیها السلام تربیت و پرورش او به عهده علی علیه السلام و در کنار برادرانی همانند حسن و حسین علیهما السلام بود.

زینب در خانه‌ای تربیت شد که عالی‌ترین نمونه یک خانواده بود و در طول تاریخ زندگی بشر، خانواده‌ای به این بزرگی و عظمت نیامده و نخواهد آمد. خانه و خانواده‌ای که کعبه‌ی آمال و محبوب دلهای مومنان بوده و هست، چنین محیط نورانی و خانه‌ی بابرکت، ارزش‌های والای دینی و انسانی را در وجود حضرت زینب علیها السلام بارور

و شکوفا ساخت و سبب شد که این شخصیت والا مقام به
عنوان سومین بانوی جهان اسلام بعد از حضرت خدیجه و
فاطمه علیها السلام، به شمار آید.^۱

القاب و اسامی

عظمت و قدرت روحی دختر امیر المومنین علیه السلام در میدان های مختلف، بردوش کشیدن مسئولیت های متفاوت و وجود صفات و سجایای عظیم اخلاقی، سبب گردیده است تا محدثان و مورخان برای آن بانو، القاب گوناگونی ذکر نمایند که هر کدام، به گوشه هایی از عظمت شخصیت این بزرگ بانوی اسلام دلالت دارند.

معروفترین نام این بانوی بزرگ، همان زینب است که توسط جد بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای ایشان انتخاب گردید. زینب در لغت به معنای درخت نیکو منظر آمده است، و معنای دیگر آن «زین اب» یعنی زینت پدر می باشد، و به راستی زینب، برای مکتب اسلام و مرام پدر، مایه ی زینت و آبرومندی بی نظیر، بوده است.

اما مهمترین القاب آن حضرت عبارتند از :

امنية الله: امانت دار الهی.

آية من آیات الله: نشانی از نشانه های خداوند.

بطلة كربلا : بانوی قهرمان کربلا

سلالة الولاية: عصاره ولایت.

سليلة الزهراء: عصاره وجود حضرت زهرا علیها السلام.

صدیقه صغری: فاطمه زهراى کوچک
 عابده آل علی: پارسای خاندان علی.
 عالمة غیر معلمه: دانای مکتب نرفته
 عقيلة النساء: بانوی خردمند و دانشمند در بین زنان
 عقيلة الوحی: زن خردمند خاندان وحی
 عقيلة بنی هاشم: زن خردمند و دانشمند بنی هاشم
 الفاضله: بانوی با فضیلت.
 قرة عين المرتضى: نور چشم علی مرتضی علیه السلام
 الکامله: زن دارای کمال و کامل
 کعبة الرزایا: قبله رنجها.
 ام المصائب: مادر مصیبت ها
 محبوبه المصطفی: مورد محبت رسول خدا ﷺ
 محدثه: راوی احادیث
 الموثقة: بانوی مورد اطمینان.
 نائبة الحسين علیه السلام: جانشین و نماینده امام حسین علیه السلام
 نائبة الزهرا علیه السلام: جانشین و نماینده فاطمه زهرا علیه السلام
 بی شک هر یک از این القاب با توجه به صفات و کمالات
 و سیره آن حضرت، به ایشان نسبت داده شده است.^۱

۱- . برای مطالعه القاب و علت انتساب آنها به حضرت زینب علیه السلام رک: خصائص الزینیه؛ نورالدین جزائری، انتشارات شریف الرضی، قم، ۱۳۷۶، صص ۳۴ تا ۱۵۴؛ الطراز المذهب، صص ۶۱-۵۷؛ صاحب رحمت (تاریخ و سؤگنامه حضرت سید الشهداء علیه السلام) عباس اسماعیلی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، صص ۸۱۹-۸۱۸

بلوغ اندیشه

حضرت زینب علیها السلام بعد از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - جد بزرگوارش - در کنار مادر خود که به دنبال ارتحال جانسوز پدر و مصیبت‌های بعد از آن در بستر بیماری افتاده بود، قرار گرفت.

وی علاوه بر پرستاری از مادر، شاهد ناجوانمردانه‌ترین حوادث تاریخ نیز بود. او یکی از کسانی است که مادرش را در ایراد خطبه دفاعیه در مسجد مدینه همراهی کرده است و از آن درس‌ها آموخته، تجربه‌ها اندوخته و در سینه سوخته‌اش همچون امانتی گرانبها و میراثی جاویدان برای نسل‌های آینده به یادگار گذاشته است. بنا به نقل عده‌ای از تاریخ نگاران و محدثین نامدار همچون عبدالله بن عباس خطبه طولانی و بلندی را که حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام در دفاع از حق امیرالمؤمنین علیه السلام و غصب فدک، در حضور اصحاب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ایراد فرمودند از حضرت زینب علیها السلام نقل کرده اند.

ابن عباس در آغاز نقل خطبه می‌گوید: «حدثنی عقيلتنا زينب»^۱ بانوی فهیم و اندیشمند ما زینب بر من چنین روایت کردند. همچنین شیخ صدوق در «علل الشرایع» و «من لا

یحضره الفقیه»، شیخ حر عاملی در «وسائل الشیعه»، طبرسی در «احتجاج» و علامه مجلسی در «بحار الانوار» در ردیف عالمانی هستند که خطبه فدک را از حضرت زینب علیها السلام نقل کرده‌اند.

بنابراین، حضرت زینب در حدود ۶ یا ۷ سالگی، شایستگی داشته است که خطبه استدلالی، عمیق و جامع مادرش فاطمه زهرا علیها السلام را که حاوی معارف اسلامی، فلسفه احکام و مطالب زیادی است حفظ کند و این نشانه بارزی از رشد فکری و بلوغ اندیشه و تعقل دختری است که در دامن عصمت و طهارت، پرورش یافته است.^۱

۱- زینب الکبری علیها السلام، صص ۳۶-۳۷ - مجله‌ی مبلغان، مرداد ۱۳۸۱، شماره ۳۱.

اندیشه های توحیدی در کودکی زینب علیها السلام

از دوران کودکی، نبوغ بی نظیر و درک فوق العاده، در وجود بانوی قهرمان کربلا به ویژه در مسائل اعتقادی نمودی چشمگیر داشت. یک بار پدرش امیر المومنین علیه السلام وی را روی زانوی خویش نشانید و به او فرمود: بگو «احد» یعنی یک، زینب علیها السلام گفت: احد، سپس علی علیه السلام فرمود: بگو: «اثنین» یعنی دو، زینب ساکت شد، مولای متقیان فرمود: سخن بگو ای نور چشم من، زینب گفت: زبانی که به گفتن «یک» گردش نموده چگونه «دو» بگوید؟! منظور زینب علیها السلام یکتایی خدا بود، که تمام ذرات وجودش به توحید گواهی می داد. امام علیه السلام از پاسخ عمیق زینب مسرور شد، و او را به نشانه محبت و تجلیل به سینه چسبانید و بوسید.

بار دیگر زینب خردسال از پدر پرسید: پدر جان! آیا ما فرزندان را دوست داری؟ علی علیه السلام فرمود: آری چگونه شما را دوست ندارم با اینکه میوه ی دل من هستید؟

زینب عرض کرد: ای پدر!

«**كُلُّكُمْ لِيْ وَ اَنَا لِلَّهِ**»

(دو محبت در دل مؤمن یکجا جمع نمی شود.)

ΥΙΠΙΖ Ζ ΥΙΙ ΕΖ Π ΔΙ ΩΩΩΞΖΙ ΥΗΕ Ο Κ'Ε Κ' Π ¾

ΘΙΕΕ ΤΙΨ ΗΨΚ'Ι

(و اگر به این محبت چاره نیست، باید به ما لطف و مهر، ورزی و محبت مخصوص خداوند باشد. به خاطر تیز فهمی و درک عالی زینب علیها السلام امیر مؤمنان، محبت خود را نسبت به دخترش بیشتر کرد.)

زینب علیها السلام با این سخن به توحید خالص، اشاره کرد که همانا دلبستگی و دوستی حقیقی برای خداست، ولی دوستی فرزندان، به معنی مهربانی و دوستی ظاهری است.

آری! زینب علیها السلام، که در پرتو تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، و در آغوش زهرا علیها السلام و در کنار حسن و حسین علیهما السلام تربیت و رشد یافته، چرا اینگونه نباشد؟!'

روحیه سخاوت و ایثار در کودکی

روایت شده که روزی حضرت علی علیه السلام مهمانی را به خانه آوردند تا از او پذیرایی کنند. وقتی از حضرت فاطمه علیها السلام پرسیدند آیا در خانه چیزی هست که با آن از مهمان عزیزمان پذیرایی کنیم؟ آن حضرت فرمودند: به غیر از مختصر غذایی که برای زینب کنار گذاشته‌ام، چیزی وجود ندارد. در این لحظه حضرت زینب علیها السلام که هنوز چهار سال بیش‌تر نداشت، چون این سخن را از مادر شنید، خطاب به مادر گفت: مادر جان! غذای مرا به مهمان بدهید.^۱

۱- صحاب رحمت (تاریخ و سوانامه حضرت سید الشهداء علیه السلام)، عباس اسماعیلی، ص ۸۲۸- داستانهای از حضرت زینب علیها السلام، شهید احمد میر خلف زاده و قاسم میر خلف زاده، ص ۶۳.

زینب، همراه همیشگی پدر و برادران

حضرت زینب علیها السلام علاوه بر این که در دوران خردسالی و نوجوانی همواره از عنایات و توجهات فراوان برخوردار بود، بعد از ازدواج نیز همواره در جوار پدر و همچنین از این عنایات برخوردار بود.

ایشان در سال هفدهم هجری به همسری پسرعمویش، عبدالله بن جعفر بن ابیطالب درآمد. سالها بعد زمانی که مردم با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام بیعت کردند، حضرت برای یاری پدر از مدینه به کوفه رفت و در مدت پنج سال دوران سخت حکومت علی علیه السلام همواره یاور پدر و تسکین بخش غم‌های او بود. چون علی علیه السلام در محراب عبادت با شمشیر ابن ملجم مرادی ضربت خورد، پرستاری آن حضرت را به عهده گرفت و به دنبال شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام و هنگام امامت برادر بزرگش امام حسن علیه السلام در کنار برادر قرار گرفت و آن‌گاه که امام حسن علیه السلام از کوفه به مدینه برگشت، به همراه ایشان حضرت زینب علیها السلام نیز به مدینه آمد. وقتی که در سال پنجاه هجری، معاویه حضرت امام حسن علیه السلام را مسموم کرد باز غمخواری و پرستاری برادر با زینب بود و پس از شهادت امام حسن علیه السلام، در خدمت امام حسین علیه السلام بود و زمانی که در سال شصت هجری امام

حسین علیه السلام عازم مکه شد، به همراه آن حضرت از مدینه خارج شد و از آن لحظه به بعد تا روز عاشورا در خدمت به قیام ابا عبدالله علیه السلام تلاش می کرد و لحظه ای از آن حضرت جدا نشد. نقل می کنند در جریان حرکت به سوی عراق، ابن عباس به امام حسین علیه السلام گفت اگر ناگزیرید به این سفر بروید، حداقل این زنان و بچه ها را با خود نبرید. در این لحظه، حضرت زینب علیها السلام از داخل محمل بر آشفته و خطاب به ابن عباس فرمود: ... ابن عباس می خواهی بین من و حسین علیه السلام جدایی بیندازی؟

شهید دستغیب (ره) بعد از نقل این مطلب می گویند:
 «الله اکبر، از زیر سایه و آسایش بیرون آمده، در این بیابانها که همه اش بلا و شدت و ناراحتی است، این چه از خود گذشتگی است؟ عقل حیران است. این چه علاقه ای، چه روحانیتی، چه معنویتی است؟! چه ارتباطی با عالم اعلی است؟! همان روحانیتی که در پیغمبر و امام است، در زینب است.»^۱

۱- زندگانی حضرت زینب علیها السلام، آیت الله شهید عبدالحسین دستغیب، صص ۲۶-۲۵- زینب علیها السلام الگوی ماندگار، سید صادق سیدنژاد، مجله دیدار آشنا، شماره ۲۵.

علاقه وصف نشدنی حضرت زینب به امام حسین علیه السلام

حضرت زینب علیها السلام از دوران کودکی و شیر خواری، محبت و علاقه ی فراوان به امام حسین علیه السلام داشت. در خرد سالی بیش از هر کس با حسین علیه السلام بازی می کرد و از دیدارش شادمان می شد، دیدار حسین علیه السلام و یا شنیدن صدای او، مایه آرامش و قرار زینب می شد.

علامه جزایری در کتاب «الخصائص الزینبیه» می نویسد: وقتی که حضرت زینب علیها السلام شیر خوار و در گهواره بود، هر گاه برادرش حسین علیه السلام از نظر او غایب می شد، گریه می کرد و بی قراری می نمود. هنگامی که دیده اش به جمال دل آرای حسین علیه السلام می افتاد، خوشحال و خندان می شد. این علاقه ی بسیار سبب شد وقتی که «عبدالله بن جعفر» پسرعموی حضرت زینب که به سخاوت و شجاعت شهرت داشت از او خواستگاری کرد، قبول آن را مشروط به آن دانست که هرگاه حسین علیه السلام خواست، مسافرتی برود، همراه حسین علیه السلام برود و عبدالله ممانعت نکند و عقد ازدواج بر اساس این شرط، برگزار شد.

وقتی که امام حسین علیه السلام از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا آمد، زینب علیها السلام همراه برادرش بود و در واقع

سرپرست بانوان و کودکان بود و تا آخرین حد توان در این سفر، به برادر و نهضت برادرش، کمک کرد. با اینکه در سن ۵۵ سالگی بود، بزرگترین و سخت‌ترین مصایب را در راه به ثمر رساندن اهداف عالی‌ه‌ی برادرش امام حسین علیه السلام تحمل نمود.

محبت حسین برای خواهر، تنها از سر عاطفه نبود، بلکه این محبت از جهان غیب و ملکوت سر چشمه می گرفت. گرمی عشق حسین در جان زینب، آمیزه‌ی از ایمان، عشق، عاطفه و شعور زینب بود، و جوشیدن چنین محبتی در سامان بخشی قیام عاشورا بسیار کار ساز شد. ترک شهر مدینه از سوی زینب و همراهی وی با حسین علیه السلام جلوه‌ی از همین علاقه است.^۱

۱- امام حسین علیه السلام آفتاب تابان ولایت، محمد محمدی اشتهاردی، ص ۱۹۲- الخصائص الزینبیه ص ۳۳۶ - ۲۰۰ داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، ص ۴۰.

منزلت زینب نزد علی و حسین علیهما السلام

علاقه و عشق زینب به پدر و برادران و بویژه امام حسین علیه السلام یک طرفه نبود. بلکه آن بزرگواران هم زینب را بسیار گرامی می داشتند و مرتبه حضرت زینب را مورد تکریم و احترام قرار می دادند. زینب هنگامی که بر پدر خود وارد می شد، امام علیه السلام از جای بر می خواست و او را با احترام زیاد در جای خود می نشاند، وی امین پدر بود، هنگامی که علی علیه السلام از دنیا رفت امام حسن علیه السلام کافور مخصوصی را که یادگار رسول خدا بود، از زینب خواست. زینب کافور را آورد، و آن را گشود، بوی عطر آن محیط را فرا گرفت.

همچنین زینب کبری در نزد امام حسن علیه السلام از منزلت ویژه ای برخوردار بود، و ایشان نهایت احترام را در حق خواهر روا می داشتند و سعی می کردند مصایب و مشکلاتی که بر ایشان رُخ می نمود، زینب متوجه نشده و ناراحت نگردد.

امام حسین علیه السلام نیز فوق العاده زینب را عزیز و گرامی می داشتند، او را محرم راز و امین خود دانسته و ودایع خویش را به وی می سپرد.

در بعضی اخبار آمده: هرگاه حضرت زینب علیها السلام به دیدار



برادرش حضرت امام حسین علیه السلام، مشرف می‌شد، آن جناب به خاطر جلالت خواهرش می‌ایستاد، و او را در جای خود می‌نشاند.

روزی حضرت زینب علیها السلام به محضر سید الشهداء امام حسین علیه السلام آمد، آن حضرت به تلاوت قرآن اشتغال داشت، با همان وضع که قرآن در دستش بود، برای اجلال و تعظیم و احترام زینب با تمام قامت برخاستند.^۱

۱- زینب الکبری علیها السلام، ص ۲۲- سحاب رحمت (تاریخ و سوانح حضرت سید الشهداء علیه السلام)، ص ۸۲۶-۸۲۵.

احترام مخصوص امام حسین و حضرت ابوالفضل علیهما السلام به زینب کبری علیها السلام

با دقت در تاریخ حوادث کربلا، علو مقام و جایگاه والای حضرت زینب در نزد امام حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان و بویژه در نزد حضرت عباس علیه السلام برادر شجاع زینب علیها السلام روشن می شود. حال به ذکر نمونه ای از این احترام و تکریم در اینجا اشاره می کنیم.

هنگامی که کاروان حسین علیه السلام تصمیم گرفت مکه را به قصد کوفه ترک کند، راوی می گوید، چهل محمل را دیدم که با پوشش کامل و منظم، آماده کرده بودند، تا بنی هاشم بانوان محرم خود را بر آنها سوار نمایند. به آن صحنه باشکوه می نگرستم، ناگاه دیدم از سرای حسینی، جوانی بلند بالا و خوش چهره که خالی بر صورتش بود، بیرون آمد و خطاب به بنی هاشم فرمود: «از من دور شوید» آنها دور شدند، آنگاه دو زن از سرای حسینی بیرون آمدند، در حالی که سایر بانوان اطراف آنها را گرفته بودند، آن جوان خوش چهره، محملی را آماده کرده و زانوی خود را خم کرد و در محضر امام حسین علیه السلام، آن دو بانو را با احترام مخصوصی سوار نمود. از یکی پرسیدم این دو بانو و آن جوان مه لقا کیستند؟



گفت: آن دو بانو یکی زینب علیها السلام و دیگری ام کلثوم علیها السلام
است و آن جوان زیباروی، حضرت عباس علیه السلام می باشد.
آری زینب علیها السلام با چنین عزت و شکوهی سوار محمل
شده و به سوی کوفه روانه گردید.^۱

۱- زینب فروغ تابان کوثر صص ۱۴۳-۱۴۲- به نقل از خصائص الزینبیه صص ۱۷۹-۱۷۸.

سجایا و صفات اخلاقی حضرت زینب علیها السلام

زینب علیها السلام که تربیت شده ی مکتب وحی بود همانند پدر و مادر و اهل بیت بزرگوار خویش، دارای سجایا و مکارم اخلاقی بسیار بود.

سید عبدالحسین شرف الدین که از مفاخر اسلام محسوب می شود درباره ایشان می گوید: «بعد از حضرت زهرا علیها السلام بزرگوارتر از نظر اخلاقی و طهارت فطرت، زنی مثل حضرت زینب علیها السلام مشاهده نشده است و از نظر روحی و وجود نیز پاکیزه تر از او کسی نبوده است.» صاحب انساب الطالبین می نویسد: "زینب علیها السلام به صفات نیک بسیار و اوصاف گرانقدر و باشکوه و با خصلت های پسندیده نسبت به دیگران ممتاز شد ؛ خلق و خوی سعادت آفرین او و صفات اخلاقی بارز و افتخار آفرین ایشان و فضیلت های پاک و طاهر او نسبت به دیگران ممتاز بود".

صاحب اعیان الشیعه به نقل از علامه مامقانی می گوید: «زینب، عقیده بنی هاشم است. به صفات حمیده ای دست یافت که پس از فاطمه علیها السلام احدی به آن دست نیافت و به حدی رسید که به او صدیقه صغری گفتند.

محمد علی احمد مصری - از نویسندگان اهل تسنن - در

رساله‌ی خود می‌نویسد:

بانو زینب از بزرگوارترین اهل بیت حسباً و والاترین آنها نسباً بود، برگزیده‌ی زنان طاهر و پاکیزه و از نیکوترین آنها بود، و از فرزانه‌های روزگار بود، که در شجاعت از سوارکاران پیشی گرفت، و کالای خود را در طول زندگی، تقوای الهی انتخاب نمود.

با زبانی که دائم به یاد خدا مرطوب بود بر ظالمین طعن و آنها را تضعیف می‌نمود، و برای اهل حق یاور و معین بود. بزرگوار دنیا و آخرت، خواهر امام حسن و امام حسین علیهما السلام دختر بتول زهرا که خداوند او را بر زنان جهانیان برگزید، و در نزد توانایان، صاحب اراده‌ی آهنین قرار داد، و از سخا و کرم، مادر هاشم بود (یعنی هاشم با آن همه جود و سخا به منزله فرزند او بود)...

در فضایل ایشان نه تنها مسلمانان بلکه افراد غیر مسلمان هم سخن گفته اند و در برابر شأن و موقعیت او سر تعظیم و احترام فرود آورده اند. زیرا او مظهر فضیلت و تقوا بود، شجاعت و استقامت داشت، نمونه ای کامل از چهره ی راستین زن بود و یگانه زنی است که توانست همگام با شهدای راستین عاشورا به پیش رود و پیام خونشان را در تاریخ ثبت کند.^۱

۱- صحاب رحمت صص ۸۲۷-۸۲۸ - زینب الکبری علیها السلام، ص ۴۹- زندگی حضرت زینب علیها السلام (رسالتی از خون و پیام) علی قاضی، صص ۱۲۸-۱۲۹ به نقل از: عقیده الوحی، ص ۲۴ و انساب الطالبین - اعیان الشیعه، ج ۳ ص ۱۹۱ - تنقیح المقال، ج ۳، ص ۷۹.

مقامات علمی

از ویژگی های بسیار ارزشمند حضرت زینب علیها السلام دارا بودن مقامات والای علمی است. عظمت علمی ایشان به قدری است که یقیناً می توان گفت علم آن حضرت از سنخ معلومات بشری نبوده است، بلکه دل او در سایه افاضات الهی و تعلیمات معلمان بزرگ وحی و در مکتب نبوت و امامت از منبع علم غیبی سیراب گشته بود. برای شناخت مقام علمی ایشان شواهد و قراین متعددی وجود دارد و می توان به امور زیادی توجه و استناد کرد که از جمله آنها موارد زیر است:

محدثه بودن: راویان بزرگی چون عبدالله بن عباس از او روایت های زیادی را نقل می کنند که از جمله این روایات، خطبه تاریخی حضرت زهرا علیها السلام در جریان فدک است.

درس تفسیر قرآن: به شهادت مورخان، ایشان در کوفه کلاس های تفسیر و آموزش قرآن داشتند. و زن های کوفه را با قرآن و احکام اسلامی آشنا می ساختند.



فصاحت و بلاغت: سخنان و خطبه های عالمانه، همراه با استدلال به آیات قرآن در کربلا، بازار کوفه، مجلس عبیدالله زیاده، دربین راه کوفه و شام و همچنین در دربار یزید، از سوی حضرت زینب هر کدام شاهدهی بر علم و دانش این بانو است.^۱

۱- زینب کبری (ع) فریادی بر اعصار، اسماعیل منصوری لاریجانی، ۱۳۷۸ ص ۲۸- فضایل و اوصاف زینب (ع) سید صادق سیدنژاد، مجله دیدار آشنا، شماره ۲۵.

محدثه بودن حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام مقام بیان روایت و حدیث را، که از ویژگی‌های افراد آگاه و بلند مرتبه است، دارا بوده، و داشتن این مقام، گواهی بر مقام علمی اوست. می‌نویسند آن بانوی بزرگوار، علاوه بر مادر خود فاطمه زهرا علیها السلام از «اسما بنت عمیس» حدیث روایت کرده است، چنانکه محمد بن عمرو، عطاء بن سائب، فاطمه بنت حسین علیها السلام جابر بن عبدالله انصاری و عباد عامری هم، از زینب نقل حدیث کرده‌اند. از جمله احادیثی که از حضرت زینب علیها السلام روایت شده، حدیث «ام‌ایمن» است که در باره مصائبی است که به اهل بیت علیهم السلام وارد خواهد شد. این حدیث در کامل الزیارات موجود است.

داستان بیمار شدن امیرالمومنین علیه السلام، بیان ماجرای «فدک» برای عبدالله بن عباس، داستان نزول سفره آسمانی برای مادر خود فاطمه علیها السلام حدیث حرام بودن صدقه بر اهل بیت علیهم السلام سرگذشت ولادت امام حسین علیه السلام و داستان دعا و شب زنده‌داری فاطمه زهرا علیها السلام را نیز از احادیث روایت شده از جانب زینب می‌توان نام برد.^۱

۱ - رک: کامل الزیارات، جعفر بن محمد بن قولویه القمی، ص ۴۴۸ - زینب علیها السلام قهرمان دختر علی علیه السلام به نقل از اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام، ج ۲، ص ۹۲ - اعلام النساء المومنات، ص ۳۸۰ و ریاحین الشریعه، شیخ ذبیح الله محلاتی، ج ۳، ص ۷۲.

درس تفسیر قرآن

مجلس درس و تفسیر قرآن، گواه دیگری بر مقام علمی زینب علیها السلام است، در این باره تاریخ گواهی می‌دهد که: یک سال پس از استقرار امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه، زنان و دختران مشتاق دانش، به آن حضرت پیام فرستادند و گفتند: ما شنیده‌ایم که دختر شما حضرت زینب علیها السلام همانند مادرش فاطمه زهرا علیها السلام منبع سرشار دانش و دارای علوم و کمالات است. اگر اجازه دهید و موافقت کنید، برای بهره‌برداری از خرمین علم و دانش او، به حضور وی مشرف شویم. علی علیه السلام اجازه داد تا دختر عالمه‌اش زینب کبری علیها السلام بانوان مسلمان کوفه را آموزش دهد و مشکلات علمی و دینی آنان را حل کند. زینب علیها السلام نیز آمادگی خود را اعلام نمود و بعد از دیدارهای مقدماتی، جلسه تفسیر قرآن برای آنان تشکیل داده و پرسش‌ها و شبهات آنان را جواب می‌داد.

نقل شده است که زینب علیها السلام در یکی از روزها به تفسیر سوره‌ی مریم «کهی‌عص» مشغول بود که امیر المؤمنین علیه السلام از در وارد شد و از دخترش پرسید: «کهی‌عص» را تفسیر می‌کنی؟ عرض کرد: آری. علی علیه السلام فرمود: ای نور دیده! این حروف، رمزی است در مصیبت وارده‌ی بر شما عترت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و سپس سخنانی در این باره به زینب فرمودند و حضرت زینب علیها السلام سخت گریه کردند.^۱

۱ - زینب الکبری علیها السلام ص ۱۴۴ - خصائص الزینبیه، ص ۲۷ - ۲۰۰ داستان از فضایل و کرامات و مصائب حضرت زینب علیها السلام، ص ۳۰ و ۳۱ - یادگار خیمه‌های سوخته (ترجمه کتاب مع بطله کربلا) ص ۶۶.

فصاحت و بلاغت

کلمات و فرمایشات گهربار آن حضرت در خطبه هایی که از آن حضرت روایت شده، خود قوی ترین دلیل بر کمال فصاحت و بلاغت آن بانوی بزرگوار می باشد. بانوی قهرمان کربلا، فصاحت و بلاغت را از پدر و مادر گرامی اش به ارث برده بود. «هنگامی که سخن می گفت، گویی از زبان پدر، ایراد سخن می کرد» سخنانش در بازار کوفه و مجلس یزید و نیز گفتگوهای او با عبید الله بن زیاد، بی شباهت به خطبه های امیر المؤمنین علی علیه السلام و خطبه ی فدکیه مادرش زهرا علیها السلام نیست. این خطبه ها در حالی ایراد می شد که زینب، داغهای فراوانی را در سینه داشت، گذشته از آنکه تشنه، گرسنه و بی خواب بود و سختی سرپرستی کودکان و راه را نیز به دوش می کشید.

وقتی زینب در بازار کوفه، آن خطبه ی فصیح، آتشین و شور انگیز را در میان انبوهی از جمعیت تماشاجی ایراد فرمود، مردم دستها را به دندان می گزیدند و با تعجب به هم نگاه می کردند، در همان موقع پیر مردی چنان از سخنان زینب بر انگیخته شد، در حالی که می گریست و محاسنش از اشک تر شده بود «دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «پدر و مادرم فدای ایشان که سالخوردگان شان بهترین سالخوردگان

و کودکان ایشان بهترین خردسالان، و زنانشان بهترین زنان و نسل آنها والاتر و برتر از همه ی نسل هاست».

در کتاب لهوف سید بن طاووس آمده است که «بشیر بن حذلم اسدی می گوید: در آن روزی که اسرا را به کوفه آورده بودند به سوی زینب دختر امیرالمؤمنین علیها السلام متوجه شدم، به خدا سوگند، در عین حال که سخنوری توانا و بی نظیر بود، حیا و متانت، سراپای او را فراگرفته بود و گویا سخنان گهربار علی علیه السلام از زبان رسای او فرومی ریخت و او علی وار سخن می راند. به مردم اشاره نمود سکوت را مراعات نمایند. در این هنگام نفسها در سینه ها حبس گشت و زنگهای شتران از صدا افتاد. پس زینب کبری علیها السلام شروع به سخنرانی نمود:

«الحمد لله» اما بعد، ای مردم کوفه! ای اهل خدعه و غدر! آیا برای گرفتاری ما گریه می کنید؛ پس اشک چشمانتان خشک مباد!

فصاحت و بلاغت حضرت زینب علیها السلام آنچنان تاثیرگذار بود که حتی زمانی که در مجلس یزید آن خطبه آتشین را بیان کردند، یزید درباره اش گفت: اینان خاندانی هستند که فصاحت و دانش و معرفت را از پیامبر به ارث برده اند و آن را با شیر مادر نوشیده اند.^۱

۱ - شخصیت و مقام زینب علیها السلام خادم حسین فاضلی - زینب الکبری علیها السلام ص ۴۵ تا ۶۱ - الخصائص الزینبیه، ص ۹۵ - سوگنامه کربلا (ترجمه لهوف، سید علی بن طاووس) مترجم محمد طاهر دزفولی، صص ۲۷۰-۲۶۹ - بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۳۷.

فصاحت و بلاغت زینب علیها السلام از دیدگاه دیگران

۱- جاهز که خود ادیبی در عرب است و در این رشته کم نظیر می باشد از خزیمه روایت می کند که پس از شهادت امام حسین علیه السلام وارد کوفه شدم که همزمان با ورود اسیران اهل بیت علیهم السلام در کوفه و زمان ایراد خطبه توسط زینب بود من هیچ زن اسیری را گویا تر از او ندیدم، چنان سخن می گفت که گویی سخنان از زبان علی علیه السلام خارج می شدند.^۱

۲- نیشابوری در سنن خود در شرح حال و بیان عظمت و مقام زینب می گوید: زینب علیها السلام در فصاحت و بلاغت کلام، و زهد و عبادت و مرام، همچون پدرش علی مرتضی علیه السلام و مادرش فاطمه زهرا علیها السلام بود.^۲

۳- ابن حجر عسقلانی می نویسد: "او - حضرت زینب علیها السلام - مجسمه شجاعت و شهامت بود. روحی قوی و همتی بلند داشت، او دارای روحی عظیم، منطقی پایدار، قوت بیانی فوق العاده بود، آنچنان که حیرت مورخان را برانگیخته است."^۳

۱- زندگی حضرت زینب علیها السلام (رسالتی از خون و پیام)، ص ۱۳۷.

۲- یادگار خیمه های سوخته، (ترجمه کتاب مع بطله کربلا) ص ۶۷.

۳- سیمای حضرت زینب علیها السلام، محمد مهدی تاج لنگرودی، ص ۱۱۹.

۴- فریشلر نویسنده غربی می گوید: "ایراد آن نطق در کوفه ثابت می کند که آن همه مصائب و سختی ها نتوانسته بودند روحیه آن زن را متزلزل کنند. در صورتی که این خطر وجود داشت که در همان حال سخnrانی او را به قتل برسانند.^۱

۵- محمد فرید وجدی - که از نویسندگان متعصب و مشهور سنی است - در «دائرة المعارف» ده جلدی خود ذیل لغت «زین» می نویسد: زینب دختر علی بن ابیطالب از زنان دانشمند روزگار، و عقیله جلیله ی بنی هاشم بود که با برادرش حسین بن علی در واقعه ی کربلا حضور داشت، وی قائد و پیشوای زنان و کودکان و بازماندگان بود.^۲

۶- علامه مامقانی (ره) با استناد به خطبه های حضرت زینب در وصف رسائی و گیرایی سخنانش می گوید: او در فصاحت و بلاغت چنان بود که گوئی زبان علی علیه السلام در کام داشت و این مدعا را می توان از خطبه های او دریافت.^۳

۱ - سیمای حضرت زینب علیها السلام، ص ۱۲۰.

۲ - زینب قهرمان دختر علی علیه السلام، ص ۳۹۳، به نقل از دائرة المعارف القرن العشرين، ج ۴ ص ۷۹۷.

۳ - زندگی حضرت زینب علیها السلام (رسالتی از خون و پیام)، به نقل از اعیان الشیعه، ج ۳۳، ص ۱۹۱.

زینب، عالمه غیر معلّمه

حضرت زین العابدین علیه السلام امام زمان زینب علیها السلام به هنگامی که آن بانوی بزرگ، خطبه پرمحتوا و آتشینی را در «بازار کوفه» ایراد می‌نماید، در مورد تایید مقام علمی زینب علیها السلام می‌فرماید:

® · iθ̇ i Iυά · iοίπΥ · iϖ̇ Iυά · iζΨΥ̇HιΓ*Eλ~¾

الحمد لله، تو دانشمند بدون معلم، و خردمند بدون استاد و آموزگار می‌باشی! ^۱

بدیهی است همانطور که امام سجاد می‌فرماید زینب علیها السلام مانند افراد عادی، کلاس و مکتب اصطلاحی را ندیده، و از استاد و آموزگاری که افراد معمولی جامعه را به تعلیم و تربیت وا می‌دارند استفاده نکرده است، بلکه چند سال اوائل کودکی خود را در کنار معلم بزرگ بشريت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مادر دانشمند و بزرگوار خود می‌زیسته است و ده‌ها سال با پدر و برادران والامقام خود زندگی کرده و با قرآن و معارف دین، انس و الفت داشته است و در عین حال جنگ‌ها، درگیری‌ها و حوادث تلخ و شیرین زمان پدر و برادران خود را از نزدیک می‌نگریسته است، و به هر حال، تمام عمر خویش را در معاشرت و همراهی با بزرگترین

دانشمندان جهان بشریت سپری نموده است، و این علم و دانایی فوق‌العاده و شیوه خطابه و سخنرانی را از آنان و با عنایات و افاضات خاص الهی آموخته است، عنایاتی که نصیب بندگان خاص و پارسای پروردگار می‌گردد.

و بر این اساس است که در مقام ایراد خطابه‌ها، آگاه به موضع‌گیری‌های بجا و در مناسبت‌های لازم است، خوب می‌داند کجا باید نرم سخن گفت، در کجا باید بر آشفت و حماسه آفرید و چه وقتی باید عقل و منطق را به کار گرفت و دیگران را به اشک و گریه واداشت...!

به هر حال از سخنان آن حضرت علیه السلام در طول مسافرت کربلا، کوفه و شام، خطبه‌ها و سخنرانی‌هایی که در فرصت‌های مختلف در برابر ستمکاران و طاغیان آن زمان و مردم دیگر ایراد فرمود، به خوبی معلوم می‌شود که مراتب علم و دانش و کمال آن بانوی بزرگوار از راه تحصیل و تعلیم و اکتسابی نبوده است بلکه منشاء و سرچشمه این علم و دانش، عنایت و فیض الهی است.

شهید دستغیب نیز در معنای این کلام امام سجاد علیه السلام، بیان می‌دارند: «عمه جان زینب، بحمد الله دانش تو دانش الهی است نه خواندنی و وصف کردنی، چشمه فهمی که در قلب تو جاری است از منبع فیض الهی است.»^۱

۱ - زینب کبری علیه السلام شهید دستغیب، ص ۱۴ - جلوه‌های عرفانی نهضت حسینی، محمد امین صادق ارزگانی، ص ۴۰ - زینب قهرمان علیه السلام احمد صادقی اردستانی، ص ۱۰۳ - زندگی زینب علیه السلام، رسولی محلاتی، ص ۱۰.

جواب پرسشهای علمی به نیابت از امام

مقام والای وصایت و نیابت از امتیازات و خصلت‌های ویژه حضرت زینب علیها السلام است و در شعاع این مقام بلند معنوی و انسانی است که دختر دانشمند امیر المومنین علیه السلام، عهده‌دار کم‌سابقه‌ترین ماموریت برای یک زن در طول تاریخ گردیده است.

منظور از مقام وصایت و نیابت حضرت زینب علیها السلام این است که بر اساس شواهد در زمان بیماری حضرت زین العابدین علیه السلام، مردم مرجعی جز حضرت زینب نداشتند، لذا افتخار نیابت خاصه امام حسین علیه السلام نصیب ایشان گردید و به سئوالات مردم پاسخ می‌داد.

مرحوم سید نعمت الله جزایری در این باره می‌گوید: از مقامات اختصاصی حضرت زینب علیها السلام نیابت ایشان از طرف برادر است و می‌گوید: مقام و منزلت ایشان قریب مقام امامت بود که از طرف برادر در کربلا، در روز عاشورا یا شب آن نائل شد.

شیخ صدوق در خبری در کتاب اکمال الدین و اتمام النعمه از احمد بن ابراهیم به نقل از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام، روایتی را مطرح نموده است که از این روایت معلوم می‌شود که در روز عاشورا نیابت حضرت زینب علیها السلام از برادر مسلم

بوده است و حضرت سید الشهداء زینب علیها السلام را وصی خود قرار داده و علوم را به حضرت زینب علیها السلام سپردند تا از طریق ایشان نقل شود و حضرت سجاد علیه السلام، سالم بمانند. به این مضمون روایت دیگری نیز در «کتاب الغیبه» شیخ طوسی نیز موجود می باشد.

به هر حال این امر بیانگر آن است که مقام و استعداد و دانایی زینب علیها السلام که وی را عقیله بنی هاشم نیز نامیده اند از مقام و استعداد افراد عادی بسیار برتر است.^۱

۱ - خصایص زینیه صص ۲۴۲-۲۴۳ - زینب الکبری، نقدی، صص ۲۵-۲۴ - اکمال الدین و اتمام النعمه، شیخ صدوق، ج ۲ صص ۵۰۷-۵۰۱ - الغیبه، شیخ طوسی ص ۲۳۱ - بحار الانوار ج ۴۶ ص ۱۹ - صحاب رحمت (تاریخ و سوانح حضرت سید الشهداء علیه السلام) ص ۸۲۴.

عبادت و بندگی خدا

هدف اصلی از آفرینش انسان به تصریح قرآن کریم این است که انسان، خدا را عبادت و بندگی نماید و به مقام عبودیت نائل گردد و بعد از کسب این مقام است که می تواند به درجه «خلیفت اللہی» دست یابد. پیامبر گرامی اسلام ﷺ و ائمه علیهم السلام هر کدام مرتبه ی اعلای از این مقام را دارا بودند، و با خدای خویش انس و الفت ویژه داشتند.

اگر چه سراسر زندگی زینب کبری علیها السلام به خاطر هجرت و جهاد در راه خدا و نیز برای همراهی و همگامی با پدر و مادر و برادران در جهت انجام وظیفه و احیای معالم و معارف اسلام سپری گردیده است و باید همه زندگی آن بانوی بزرگ را غرق در اطاعت و عبادت محسوب داشت، اما اضافه بر این حضرت زینب علیها السلام در عبادت به معنی خاص یعنی نهایت خضوع و اظهار کوچکی و تعظیم در برابر ذات مقدس پروردگار عالم هم برترین مقام و امتیاز را داشته است. و در سخت ترین شرایط نیز به انجام وظایف عبادی اهتمام می ورزیدند.

زینب علیها السلام زیبایی نیایش ها و نماز های پیامبر ﷺ و مادرش زهرا علیها السلام و پدرش علی علیهم السلام و مناجات ها و نیایش های امام مجتبی علیهم السلام و سیدالشهدا علیهم السلام را دیده بود و

هر یک برای او درس و الگوئی عملی در عبادت و مناجات بود.

اعتقاد و علاقه قلبی زینب علیها السلام به نیایش با پروردگار در مرحله نخست و اقتدا و متابعت آن بزرگوار از اجداد گرامی‌اش سبب شده بود مناجات و شب زنده داری او در تمام عمر ادامه داشته و حتی شب یازدهم محرم که شب شام غریبان بود، با آن همه اندوه و مصیبت‌ها و ضربه‌های روحی که از ناحیه شهادت برادران و عزیزان بر وجود وی وارد آمده بود، نماز شبش ترک نشد؛ متتهی به خاطر ضعفی که بر وی مستولی شده بود نماز شب خویش را در آن شب نشسته خواند.

همه این وقایع به خوبی از اهتمام کامل حضرت زینب علیها السلام به عبادات خبر می‌دهد و درست به دلیل برخوردارگی از این ویژگی بوده که یکی از القاب آن حضرت «عابده آل علی علیه السلام» انتخاب شده است و اساساً آرام بخش دل زینب در تحمل آن مصائب، در طول حیاتش خصوصاً در واقعه عاشورا، ارتباط با خدا بود و زینب علیها السلام هیچگاه این ارتباط را قطع نکرد و یک لحظه برخلاف رضا و مصلحت الهی اندیشه‌ای به دل راه نداد. بلکه حتی شکرگذاری هم می‌کرد و نمازش در شب یازدهم محرم در واقع حمد و سپاس الهی بود.

مرحوم نقدی در کتابش «زینب الکبری» آورده است که: حضرت زینب علیها السلام در عبادت ثانی حضرت زهرا علیها السلام بود، تمام شبها را به عبادت، تهجد و تلاوت قرآن سپری می کرد. وی هم چنین از برخی از بزرگان نقل می کند که می گویند: حضرت زینب علیها السلام در طول عمر، تهجد و شب زنده داری اش ترک نشده است حتی در شب یازدهم محرم امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: در شب یازدهم محرم دیدم نشسته نماز می خواند. نیز آن بزرگوار می فرماید: با این همه مصیبت و اندوهی که به ما روی آورده اما در مسیری که به شام می رفتیم نافله های شب عمه ام اصلاً ترک نشد. امام حسین علیه السلام در آخرین وداع با خواهرش زینب به او فرمود: خواهرم مرا در نماز شب فراموش نکن. هم چنین از فاطمه دختر امام حسین علیه السلام چنین نقل شده که: عمه ام زینب در شب دهم محرم در محراب عبادت مشغول مناجات بود و با خدا راز و نیاز می کرد در حالی که چشمی از ما به خواب نرفته و ضجه های مان آرام نشده بود.^۱

۱ - زینب کبری علیها السلام عقیله بنی هاشم، حسن الهی، ص ۶۲

رعایت حدود الهی در اوج سختی

حضرت زینب علیها السلام حدود و احکام الهی را حتی در سخت ترین شرایط اسارت رعایت می کردند. نقل شده وقتی اسرا را وارد کوفه کردند مردم کوفه از روی ترحم به اطفال، به اسیران نان و خرما می دادند، زینب علیها السلام فریاد می زد: ای اهل کوفه صدقه بر ما حرام است و اگر کسی چیزی می داد به آنها بر می گرداندند. لذا زینب علیها السلام در رعایت حلال و حرام الهی هیچ گونه سهل انگاری نمی کرد و در این خصوص به هیچ عنوان راضی نمی شد که بی تفاوت باشد. اگرچه اطفال و زنان اهل بیت راه دور و درازی طی کرده و خسته و گرسنه هستند، اما جواز اکل صدقه را صادر نمی کند. اگر گرسنه اند، زینب علیها السلام حاضر است از سهمیه غذایش بگذرد و نان خود را بین بچه ها تقسیم کند و سه روز یا بیشتر چیزی نخورد و از شدت ضعف و گرسنگی نشسته نماز بخواند، اما اجازه نمی دهد که ذره ای از صدقه را تناول کنند.^۱

۱ - زینب کبری علیها السلام عقیله بنی هاشم، حسن الهی، ص ۶۲.

حجاب و عفت

از منظر اسلام، یکی از مهمترین وظایف بانوان، پاسداری در حفظ حریم حجاب و عفت است، در قرآن مجید در چند آیه به ضرورت حجاب برای زنان تصریح شده است و درباره لزوم حفظ عفت و پاکدامنی هشدار داده شده است و در احادیث فراوان نیز هشدارهای مؤکد در این زمینه داده شده است.

عقیله بنی هاشم، در حجاب و عفت، مانند مادرش فاطمه زهرا علیها السلام بود و به این مهم بسیار اهمیت می داد، تا پیش از عاشورا و جریان اسارت، مردی نا محرم، زینب را ندیده بود.

فردی به نام یحیی مازنی می گوید: من در مدینه مدت زیادی در همسایگی حضرت علی علیه السلام به سر می بردم، اما در این مدت به خدا قسم هرگز زینب را ندیدم و حتی صدای او را هم نشنیدم هنگامی که اراده زیارت مرقد مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله را داشت شبانه حرکت می کرد در حالی که امام حسین علیه السلام سمت راست او، امام حسن علیه السلام سمت چپش و امیر المؤمنین علیه السلام پیشاپیش دخترش حرکت می کرد.^۱

حجاب و عفاف زینب به گونه ی بوده است که علامه



مامقانی در این باره می‌گوید:

(زینب در حجاب و عفاف، یگانه ی روزگار بوده است، کسی از مردان، در زمان پدر او و برادرانش تا روز عاشورا، او را ندیده بودند.)

اسوه صبر و استقامت

از منظر دین، صبر جایگاه بس والایی دارد، قرآن به صبر کنندگان بشارت داده است.^۱ مقام صبر نسبت به ایمان همانند سر برای بدن است. زینب علیها السلام نمونه و تجسم عالی صبر و پایداری است، مقاومت و شکیبایی در برابر مصایب و مشکلات، به ویژه در نهضت عاشورا، در راه پاسداری از حریم دین و کرامت انسانیت از خصیصه های بارز این بانوی بزرگ می باشد.

صبر و ثبات شگفت انگیز زینب، همگان را به اعجاب واداشته است، زیرا از پنج سالگی برای او، مصایب جانکاه یکی پس از دیگری شروع شد، ولی زینب در برابر همه ی این مصیبت ها، قامت برافراشت و صبر کرد.

روزی زینب شاهد رحلت جد بزرگوارش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تأثیر آن بر مسلمانان بویژه برخاندان او بود، زمانی دیگر شاهد مظلومیت و شهادت بانوی نمونه ی اسلام، مادرش زهرا علیها السلام بود. وی پس از آن مصیبت، شهادت پدر بزرگوارش امیر مؤمنان را تحمل نمود. دختر علی علیه السلام، همچنین شاهد شهادت مظلومانه برادرش امام حسن علیه السلام، در اثر زهر جفا بود، ولی آنچه را که آن مخدره در کربلا مشاهده کرد، مصایب

جانکاه و وصف ناپذیر است که کوهها، تاب تحمل آن را نداشت.

زینب در وادی صبر و استقامت، یکه تاز میدان است، به گفته ی علامه مامقانی: « وهی فی الصبر و الثبات وحیده » زینب در صبر و ثبات بی نظیر و یگانه است. در بلندای مقام صبر و بردباری، آن گوهر عظیم الهی، همین بس که وقتی در برابر پیکر نورانی و خونین برادرش حسین رسید، رو به آسمان کرد و گفت: « بار خدایا! این اندک قربانی و کشته شده ی در راه خودت را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر. »^۱

این سخنان از آن بانوی آزاده، در هنگامی که برادر عزیزش حسین علیه السلام و دیگر برادران و فرزندان خویش را از دست داده بود، قوّت ایمان، ثبات اعتقاد، گذشتن از خود و فناء شدن وی را در خداوند می‌رساند. زینب در اثر توجه و تربیت خمسه ی طیبه، آنچنان روح بزرگ یافته بود که شهادت عزیزانش را با صبر و ثبات وصف ناپذیر تحمل نمود. زینب علیها السلام برادرش حسین و ۷۲ نفر از یاران و عزیزان خود را از دست داده، اما آنان را قربانی کوچک راه خدا می‌داند و در منطق این بزرگ بانوی اسلام، حسین علیه السلام با آنهمه عظمت و با وجود اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده بودند:

۱ - بانوی شجاع زینب کبری علیها السلام محمد جواد مغنیه و احمد صادقی اردستانی، ص ۱۴۲.

«حسین از من و من از حسینم و حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشتند» او را قربانی کوچک می داند، زیرا عظمت راه و دین خدا به قدری بزرگ است که حسین علیه السلام با آن همه عظمت، کوچک شمرده می شود.^۱

نور الدین جزایری می گوید: «از جمله القاب زینب علیها السلام «الراضیه بالقدر والقضا» است، و این مخدّره چنان در برابر شداید و محن ایستادگی کرد که اگر اندکی از بسیار آن، بر کوههای استوار، گذاشته شود آب می گردد، ولی این مخدّره ی مظلومه، یکه و تنها و غریب «کالجبل الراسخ...» درمقابل همه، ایستادگی کرد.

امام حسین علیه السلام، قبل از شهادت، سفارش های لازم را به زینب علیها السلام نمود و پرستاری نهضت را به او واگذار کرد، او را به صبر و بردباری امر نمود و با قلبی محکم و بی هراس از آینده ی نهضت، به سوی میدان حرکت کرد.

زینب علیها السلام نیز پرچم پر افتخار امام زمانش، حسین علیه السلام را بر دوش گرفت و مانع افتادن پرچم الهی بر زمین شد و با اقتدار و شهامتی که تاریخ نظیرش را ندیده، در برابر ظلم و ستم ایستادگی نمود.

صبر همراه با بصیرت

حضرت زینب علیها السلام با آنهمه مصیبت های سخت که هر یک کوهی را به لرزه در می آورد و انسان را مضطرب و از خود بی خبر می سازد، در برابر سنگدل ترین، تند خوترین و تبه کارترین انسان روی زمین، آن سان با عظمت و مناعت برخورد می کند که همه را به شگفتی وامی دارد.

ابن زیاد که آن همه کبر و بی اعتنایی را از یک زن رنج کشیده و ماتم زده می بیند، انگشت حیرت به دهان می گیرد و می خواهد او را کوچک شمارد، با تکبری انتقام جویانه رو به حضرت زینب علیها السلام نموده می گوید: "خدای را شکر می کنم که شما را رسوا ساخت، مردانتان را کشت و سخنانتان را دروغ گردانید." زینب علیها السلام با عظمت، نگاهی تحقیرآمیز به آن سرکش بی نام و نسب می کند و فریاد بر می آورد که: "سپاس خدای را که ما را با انتساب به پیامبرش، گرمی داشت و از آلودگی و ناپاکی دور ساخت و شخص تبه کاری چون تو را رسوا کرد."

ابن زیاد که منتظر چنین جواب تندی نبود، از حضرت می پرسد: "کار خدایت را درباره خاندانت چگونه دیدی؟" حضرت با سربلندی و مناعت می فرماید: "والله ما رأیت الا جمیلاً...". به خدا قسم جز نیکی و زیبایی ندیدم آنان قومی

بودند که خداوند کشته شدن در راهش را بر آنها نوشته بود و لذا با شجاعت به قتلگاه خویش شتافتند ولی به زودی خداوند، تو و آنان را در یک جا گرد آورد تا در پیشگاهش محاکمه شوی."

این سخن حضرت زینب علیها السلام دنیا پرستان را وا می دارد که در برابر آن همه عظمت و بزرگواری، احساس شرمساری و حقارت کند که این زینب پس از آن همه مصیبت، چون برای رضای خداست، همه را زیبا می بیند و حال آنکه عموم انسانها در برابر کوچکترین اذیت و آزاری، کوچک و زبون می شوند. چقدر فاصله است میان آسمان عظمت زینب و دنیای پست دنیا خواهان!

البته زینب در کربلا و بعد آن، گریه ها و ناله ها نیز داشته است، چون عمق مصیبت ها آنقدر زیاد است که عاطفه را به جوش می آورد، و نالیدن در چنین مصیبت عظمی، با مقام صبر در تعارض نیست. آنچه با مقام صبر در تعارض است تسلیم نبودن در برابر مصلحت و تقدیر الهی است و علاوه بر این گریه ها و ناله های زینب در کربلا و پس از آن در طول سفر کوفه و شام، در راستای اهداف عالی و رسالت عظمای او، یعنی ابلاغ و انتشار پیام عاشورا بوده است و زینب از راه های گوناگون از جمله با خطبه ها و سخنرانی های آتشین و گریه های جانسوز خویش، از نهضت حسینی پاسداری

نمود.

در مقام صبر و شکیبایی ، چنان ثابت قدم بود که عقول همگان را متحیر گردانید، بلاهایی تحمل نمود که اگر پاره ای از آن را بر کوه های افراشته و آسمانها و زمین می افکندند از ثقل آن متلاشی می گردید، و به راستی از آغاز خلقت تا کنون هیچ زنی از زنان انبیاء و اولاد اولیاء این حلم و بردباری را نداشته است.^۱

جلوه های ایثار

یکی از صفات بارز حضرت زینب علیها السلام روحیه بی مانند گذشت و ایثار اوست. این روحیه در تمام مراحل زندگی ایشان از کودکی تا پایان عمر گرانبهای ایشان جلوه گر است. نمونه ای از ایثار و فداکاری آن بانوی بزرگوار در کودکی مطرح شد. اما اوج بروز و ظهور این روحیه ایثار و از خودگذشتگی را در ماجرای کربلا و در تمام حوادث این حماسه ی بزرگ می توان مطالعه و بررسی کرد. ایثار و جانفشانی زینب کبری به قدری بزرگ و با عظمت است که این بانوی شایسته را در جایگاه بزرگترین الگو و اسوه ی ایثار و فداکاری قرار داده است. قلم عاجز است از اینکه اوج ایثار را به تصویر بکشد و علاوه بر اینکه خود می تواند اثری مستقل باشد. به هر حال فقط به چند نمونه از این فداکاری ها اشاره می شود.

آگاهی حضرت زینب علیها السلام از واقعه عاشورا

ام ایمن زن بسیار مجلله ای است که ظاهراً کنیز خدیجه بوده و بعد آزاد شده و سپس در خانه پیغمبر و مورد احترام پیغمبر بوده است. کسی است که از پیغمبر روایت می کند. این پیر زن سال ها در خانه پیغمبر صلی الله علیه و آله بود. روایتی از پیغمبر صلی الله علیه و آله را برای زینب نقل کرده بود، ولی چون روایت خانوادگی بود؛ یعنی مربوط به سرنوشت این خانواده در آینده بود، زینب یک روز در اواخر عمر علی علیه السلام، برای اینکه مطمئن بشود که آنچه «ام ایمن» گفته صد در صد درست است، آمد خدمت پدر بزرگوارش و پرسید: یا ابا! من حدیثی این چنین از ام ایمن شنیده ام، می خواهم یک بار هم از شما بشنوم تا ببینم آیا همین طور است؟ همه را عرض کرد، پدرش تأیید کرد و فرمود: درست گفته است ام ایمن، همین طور است.^۱

حدیث ام ایمن درباره مصائبی بود که در آینده بر اهل بیت علیهم السلام وارد خواهد شد. حضرت زینب با علم از وقایع و حوادث و مصیبت ها و سختی هایی که برای او اتفاق خواهد افتاد به همراه برادر از مدینه خارج می شود و این بیانگر آمادگی زینب برای ایثار و جانفشانی در رکاب امام حسین علیه السلام است.

زینب کبری بزرگترین حامی سید الشهداء علیه السلام

زینب از ارکان مهم کاروان کربلاست و در سرپرستی کاروانیان سهم مهمی بر عهده دارد. او در تمام حرکت ها و صحنه های غم انگیز و با شکوهی که در این مسیر بروز و ظهور می کند حضور دارد. زینب علیها السلام در تمام سختی ها، رنج ها و مصیبت های برادرش حسین علیه السلام، سهیم و شریک می داند و برای او یآوری هماهنگ، همدل و غمخوار است. او یادگار مادرش زهراست و گویا به نیابت از مادرش قلب خود را آماج دردها، غم ها، و مصیبت هایی که به فرزندانش وارد می شود، ساخته است. به راستی می توان او را بزرگترین حامی سید الشهداء و نهضت او دانست. زینب کبری سرپرست و بزرگ گروهی از زنان و محارم و فرزندان اهل بیت و اصحاب امام حسین علیه السلام بوده است. از صحنه ها و اتفاقاتی که در روز تاسوعا و قبل از آن رخ می دهد و گفتگوهای امام حسین علیه السلام با زینب، توصیه های امام به خواهرش و حمایت ها، حفاظت ها و پرستاری های زینب از اهل بیت امام حسین علیه السلام به روشنی می توان مسئولیت زینب و درجه بالای ایثارگری او را در کاروان دریافت.

زینب امانتدار و محرم اسرار حسین علیه السلام بود و باید بار امانتی را که حسین بر دوش او گذاشته بود به مقصد



می رساند و از این همه، نقش، مسئولیت و رسالت زینب در
این کاروان روشن می شود.^۱

اوج ایثار گری حضرت زینب علیها السلام

اوج ایثار و فداکاری و گذشت دختر علی علیهما السلام، در روز عاشورا به نمایش گذاشته می شود.

نقل می کنند از جوانانی که در کربلا شهید شد و مادرش حضور داشت، عون بن عبدالله بن جعفر فرزند زینب کبری است. یعنی زینب علیها السلام شاهد شهادت پسر بزرگوارش بود. از عبدالله بن جعفر - شوهر زینب - دو پسر در کربلا بودند که یکی از زینب و دیگری از زن دیگر بود و هر دو شهید شدند. بنابراین پسر زینب نیز در کربلا شهید شده است. و یکی از آن عجایی که تربیت بسیار بسیار عالی این بانوی مجلله را می رساند، این است که در هیچ مقتلی ننوشته اند که زینب چه قبل و چه بعد از شهادت پسرش نامی از او برده باشد. گویی اگر می خواست این نام را ببرد، فکر می کرد که نوعی بی ادبی است. یعنی ابا عبدالله! فرزند من قابل این نیست که فدای تو شود مثلاً در شهادت علی اکبر، زینب از خیمه بیرون دوید و فریاد زد: یا اخیه و ابن اخیه! که فریادش فضا را پر کرد، ولی هیچ ننوشته اند که در شهادت فرزندش چنین کاری کرده باشد. برخی نیز می گویند زینب علیها السلام به این علت از خیمه بیرون نیامد تا مبادا برادرش او را در این حال ببیند و در برابر خواهرش شرمسار گردد.^۱

۱ - گفتارهای معنوی، شهید مرتضی مطهری، ص ۳۰۱ - زینب فروغ تابان کوثر، ص ۱۷۶.

ایثار گری حضرت زینب علیها السلام در اسارت

ایثار حضرت زینب علیها السلام بعد از روز عاشورا و در جریان اسارت نیز در موارد بسیاری جلوه گر است. از امام سجاد علیه السلام نقل شده: هنگامی که ما را از کوفه به سوی شام حرکت می دادند عمه ام زینب مرتب نمازهای واجب و مستحب خویش را انجام می داد و در بعضی از منازل، نمازش را نشسته می خواند، وقتی سبب را پرسیدم؟ گفت: به خاطر گرسنگی و ضعف؛ زیرا سه شبانه روز غذا نخورده بود و سهم غذایش را در میان کودکان تقسیم کرده بود.^۱

ایثارگری در دفاع از ولایت و امامت

ایثارگری حضرت زینب علیها السلام نسبت به برادرش سید الشهداء غیر قابل وصف است. ایثار او در همراهی امام حسین علیه السلام در نهضت کربلا در خارج شدن از مدینه و در همه جریانات بعد در حمایت از امام و مولا و برادر خویش تا روز عاشورا در تمام مراحل نهضت جلوه گر است. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام این ایثار گری در محافظت و نگهداری از اهل بیت امام حسین علیه السلام و کودکان و در مقام ایفای رسالت خویش، در انتشار پیام کربلا علی رغم سنگینی و طاقت فرسایی، بسیار درخشان و پر ثمر است. و زینب کبری از همه این مسئولیت ها پیروز بیرون آمد و در نزد حسین علیه السلام و خدای او سرفراز و پر افتخار شد. از مهمترین این ایثارگری ها، پاسداری از میراث امامت است. در موارد متعددی زینب علیها السلام با ایثار و از خودگذشتگی از جان امام زمان خود یعنی امام زین العابدین علیه السلام تنها یادگار حسین بن علی علیه السلام دفاع می کند و جان او را از تجاوز دشمن و گردابهای سهمگین حوادث محفوظ می دارد. فداکاری ها و از خودگذشتگی های حضرت زینب علیه السلام در این خصوص بیانگر معرفت و آگاهی ایشان نسبت به این امر است که زمین



نباید از حجت خدا خالی باشد و امامت و ولایت به عنوان مشعل هدایت بشریت به هر طریق ممکن ولو با فدا شدن جان زینب علیها السلام باید حفظ شود. حال به نمونه هایی از این رشادت ها و فداکاری ها اشاره می شود.

جلوگیری از شهادت امام زین العابدین علیه السلام

بدون شک امام زین العابدین و سیدالساجدین علیه السلام در واقعه‌ی کربلا با پدرش همراه بود؛ و از مسلمات تاریخی است که او بیمار بود. شمر بن ذی الجوشن پس از قتل امام حسین علیه السلام در صدد برآمد تا باقیمانده‌ی فرزندان آن حضرت یعنی امام زین العابدین علیه السلام را به فرمان ابن زیاد به قتل برساند.

شیخ مفید می نویسد: حمید بن مسلم گفت: به خدا سوگند، می دیدم که چادر از سر زن و فرزندش برمی دارند، تا به علی بن الحسین علیه السلام رسیدیم که در شدت بیماری روی فرشی افتاده بود. گروهی از او باش همراه شمر، می خواستند ایشان را هم به شهادت برسانند...

چون عمر سعد آمد، زنان بر سر او فریاد کشیدند و گریستند. او به یارانش گفت: کسی حق ورود به چادر این زنان را ندارد و متعرض این جوان بیمار هم نشوید.

در مورد این که چه کسی مانع از کشتن امام سجاد علیه السلام شده است، محدث قمی در ضمن وقایع عاشورا از کتاب «اخبار الدول» قرمانی نقل می کند، وقتی آن بی شرمان به خیمه های امام علیه السلام ریختند و غارت خیمه ها و سوزاندن آنها را شروع کردند، شمر بن ذی الجوشن پیش آمد و آهنگ



قتل حضرت علی بن الحسین علیه السلام را - که بیمار و مریض بود- کرد و در این وقت زینب دختر علی علیه السلام بیرون آمد و گفت: به خدا سوگند نمی گذارم او را بکشید مگر این که مرا بکشید! شمر که چنان دید از کشتن آن حضرت صرف نظر کرد.^۱

۱- الارشاد، شیخ مفید، ج ۲ صص ۱۱۲-۱۱۳ و نیز رک: تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۳۵ - نفس المهموم، شیخ عباس قمی، ص ۲۰۰ - با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه ج ۵ (امام حسین: رویدادهای راه کربلا تا شام) محمد جعفر طبعی، عبد الحسین بینش، صص ۵۷-۵۸.

تسلی بخشی به امام سجاد علیه السلام در قتلگاه

هنگام ورود اهل بیت علیهم السلام به قتلگاه وقتی چشم امام سجاد علیه السلام به اجساد پاره پاره شهیدان افتاد که در بین آنها جگر گوشه حضرت زهرا علیها السلام به حالتی افتاده بود که جا داشت از آن مصیبت، آسمانها پاره، زمین دگرگون و کوهها متلاشی شوند، حضرت متقلب شد. به طوری که نزدیک بود روح از بدن مبارکش پرواز کند، عمّه اش زینب متوجه شد. فهمید فرزند برادر در چه حالت خطرناکی به سر می برد، بی درنگ او را دلداری داد، از او که صبرش سنگین تر از کوهها و بزرگ تر از همه چیز بود درخواست صبر نمود، از آن جمله چنین گفت: ای یادگار جدّ، پدر و برادرانم! چرا ناراحت هستی و جان خود را در معرض نابودی قرار داده ای؟ سوگند به خدا این مصیبت ها را جدّ و پدرت به ما خبر داده اند و ما در انتظار چنین روزی بودیم. خداوند از افرادی عهد و پیمان گرفته است که فرعون های زمان آنان را نمی شناسند، لکن اهل آسمانها آنها را به خوبی می شناسند، افرادی خواهند آمد و این بدنهای پاره پاره شده را جمع خواهند کرد و به خاک خواهند سپرد. در این سرزمین برای پدرت نشانه ای نصب خواهد شد که گذشت قرنهای آنها را محو نخواهد کرد، آن



نشانه همچنان پایدار خواهد بود. جبّاران روزگار و ستمگران خواهند کوشید که این نشانه را از بین ببرند لکن روز به روز در ترقّی و تعالی خواهد بود و از گزند بدخواهان و حوادث مصون و محفوظ خواهد ماند.^۱

جلوگیری از شهادت امام سجّاد علیّه السلام

در مجلس ابن زیاد پس از مشاجرات لفظی عبیدالله و امام سجّاد علیّه السلام آن ملعون تصمیم می گیرد که امام زین العابدین علیّه السلام را به شهادت برساند، وقتی زینب کبری علیها السلام متوجه می شود امام سجّاد علیّه السلام را در آغوش می کشد. فریاد بر می آورد ای ابن زیاد از ما دست بردار، مگر از خونهای ما سیر نشده ای؟ مگر کسی از ما بجای نهاده ای؟ او را در برگرفت و فرمود: ... اگر خواستی او را بکشی مرا نیز با وی بکش. بعد از این جریان است که ابن زیاد از تصمیم خود منصرف می شود.^۱



شجاعت و قهرمانی

از ویژگی های عظیم بانوی کربلا، شجاعت است، شجاعتی بسان علی، که در قیام کربلا سخت مورد نیاز بود، اگر ذره ای ترس از حکومت استبدادی یزید در وجود زینب راه می یافت، پیروزی خون بر شمشیر در کربلا این چنین جاودانه نمی شد.

خطبه های آتشین و افشاگرانه ی حضرت زینب علیها السلام بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبنده او در فرصت ها، به دفاع از نهضت حسینی و صلابت بی نظیر او در کوفه و شام، همه و همه بیانگر قهرمانی و شجاعت او ست زینب به عنوان شیر زن کربلا و خطیب قهرمان پیام رسان خون شهیدان، در پیشانی اسلام تابید و جهاد و دفاع او از اسلام و دیانت به ابدیت پیوست.

زینب کبری شجاعت را از پدر به ارث بده بود. علی علیه السلام در نزد دوست و دشمن به شجاعت و شهادت معروف بود. خوابیدن مولا در بستر پیامبر در شب هجرت، به هلاکت رسیدن «عمرو بن عبدود» در جنگ خندق به دست وی و دلاوری های علی علیه السلام در جنگ های گوناگون دوران پیامبر و پس از آن زبانزد دوست و دشمن است. و زینب نیز، افزون بر دیگر ویژگی ها، شجاعتی شایان از

خود به نمایش گذاشت، وی همانطور که مطرح شد بارها جان امام سجاد علیهم السلام را از مرگ نجات داد، و هرگز به ابن زیاد و یزید بن معاویه اعتنایی نکرد، در حالی که آنان به خیال خود در اوج اقتدار بودند، و پاسبانها با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده اطراف ایشان را گرفته بودند، زینب سخنانی ایراد کرد که یزید و اطرافیان وی را رسوا ساخت.^۱

۱ - شخصیت و مقام زینب علیها السلام خادم حسین فاضلی. این مقاله در اینترنت به آدرس <http://www.majma-a.com> موجود است.

جواب کو بنده زینب علیها السلام به ابن زیاد

پسر زیاد در مجلس خودش خطاب به حضرت زینب علیها السلام می گوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَقَتَلَكُمْ وَكَذَبَ أَحَدُوثَكُمْ»^۱
و از جمله «كَذَبَ أَحَدُوثَكُمْ» کاملاً پیداست که می خواهد بگوید ببینید! بهترین دلیل بر اینکه حکومت، به حق باید دست ما باشد و سخنان شما ناحق بود این است که خداوند شما را مغلوب کرد. این منطق، منطق کسانی است که همیشه وضع موجود را بهترین وضع و دلیل آن را امضای خدا می دانند که اگر بد می بود که خدا خودش آنرا از بین می برد، چون هست پس باید باشد و خوب است. آن چنان که در جاهلیت می گفتند:

«أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ»^۲

(آیا به کسی خوراک دهیم که اگر خدا می خواست خوراکش می داد.) و یا آن چنان که آیه کریمه:

«تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»

۱ - بحار الانوار، ۱۱۷/۴۵.

۲ - یس، آیه ۴۷.

وَتَعَزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»^۱

(حکومت را به هر که خواهی می دهی و از هر که خواهی می ستانی، و هر که را خواهی عزت می بخشی، و هر که را خواهی خوار و ذلیل می سازی) را این طور تفسیر و تعبیر می کنند. و این یک مغالطه عظیمی است. اما زینب جواب می دهد:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ وَطَهَّرَنَا مِنَ الرَّجْسِ
تَطْهِيرًا، إِنَّمَا يَفْتَضِحُ الْفَاسِقُ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرُ وَهُوَ غَيْرُنَا وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ»^۲

(سپاس خدایی را که ما را به پیامبرش محمد گرامی داشت، و از هر گونه پلیدی به خوبی پاک ساخت. جز این نیست که فاسق رسوا می شود، و فاجر دروغ می گوید، و او بحمد الله ما نیستیم و غیر ماست.) ابن زیاد گفت:

«كَيْفَ رَأَيْتُ صُنَعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ؟»^۳

(کار خدا را نسبت به برادرت چگونه دیدی؟) حضرت

زینب فرمود:

۱- آل عمران، آیه ۲۶

۲- الارشاد، ۱۱۳/۲

۳- بحار الانوار، ۱۱۵/۴۵



« كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقَتْلَ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَسَيَجْمَعُ
اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ، فَنَنْظُرُ لِمَنِ الْفَلَجُ، هَبْكِي أُمُّكَ يَا ابْنِ
مَرْجَانَهُ...»^۱

(خداوند شهادت را در سرنوشت آنها مقرر فرموده بود و
آنان به قتلگاه خویش پیوستند، و به زودی خداوند میان تو و
آنان جمع کند. پس بنگر که پیروزی از آن کیست؟ مادرت به
عزایت بنشیند پس ابن زیاد به خشم آمد و برافروخت.^۲

۱- همان

۲ - حماسه حسینی، ج ۳ ص ۳۵۳.

لال شدن یزید در برابر منطق زینب

می گویند تاریخ ورود اسرا به شام، دوم ماه صفر بوده است. بنابراین، بیست و دو روز از اسارت زینب گذشته است، بیست و دو روز رنج متوالی کشیده است که با این حال او را وارد مجلس یزید بن معاویه می کنند، یزیدی که کاخ اخضر او یعنی کاخ سبزی که معاویه در شام ساخته بود، آنچنان بارگاه مجللی بود که هر کس با دیدن آن بارگاه و آن خدم و حشم و طنطنه و دبدبه، خودش را می باخت، بعضی نوشته اند؟ افراد می بایست از هفت تالار می گذشتند تا به آن تالار آخری می رسیدند که یزید روی تخت مزین و مرصعی نشسته بود و تمام اعیان و اشراف و اعظم سفرای کشورهای خارجی نیز روی کرسی های طلا یا نقره نشسته بودند. در چنین شرایطی این اسراء را وارد می کنند و همین زینب، اسیر رنج دیده و رنج کشیده، در همان محضر، چنان موجی در روحش پیدا شد و چنان موجی در جمعیت ایجاد کرد که یزید معروف به فصاحت و بلاغت را لال کرد. یزید شعرهای ابن زبیری را با خودش می خواند و به چنین موقعیتی که نصیبش شده افتخار می کرد.

زینب فریادش بلند می شود:



«أَظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ! حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَقْطَارَ الْأَرْضِ وَ آفَاقِ السَّمَاءِ فَاصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسَارَى أَنْ بِنَا عَلَى اللَّهِ هَوَانًا وَ بَكَ عَلَيْهِ كَرَامَةً؟»^١

حضرت زینب در آخر جمله هایش این طور فرمود:

زینب علیها السلام به کسی که مردم با هزار ترس و لرز به او یا امیرالمؤمنین می گفتند، خطاب میکند که: یا یزید! به تو می گویم؛ هر حقه ای که می خواهی بزن و هر کاری که می توانی انجام ده، اما یقین داشته باش که اگر می خواهی نام ما را

در دنیا محو بکنی، نام ما که محو شدنی نیست، آنکه محو و نابود می شود تو هستی.
چنان خطبه ای در آن مجلس خواند که یزید لال و ساکت باقی ماند و خشم سراسر وجود آن مرد شقی و لعین را فرا گرفت و برای اینکه دل زینب را آتش بزند و زبان او را ساکت کند، و برای اینکه زینب منقلب بشود، دست به یک عمل ناجوانمردانه زد، با عصای خیزران خود به لب و دندان ابا عبدالله اشاره کرد.^۱

بازتاب خطبه حضرت زینب علیها السلام در مجلس یزید

خطبه های کوبنده و آتشین حضرت زینب علیها السلام آنچنان اوضاع را آشفته کرد که یزید ملعون جهت مهار آن دچار سرگیجی و سردرگمی شد، خصوصاً هنگامی که خطبه ی افشاگرانه امام سجاد علیه السلام در مسجد شام با فریادهای رسای عمه اش زینب درآمیخت. این سخنان در شام و در بین مردم، انقلابی به وجود آورد.

یزید موقعیت خود را سخت متزلزل دید و از آن بیم داشت که قشر اصیل جامعه که از حقایق به دور بودند متوجه نقشه های خائنه او شده و به شورش و قیام برخیزند. سخنان جانسوز امام سجاد و زینب کبری علیهما السلام آنچنان اثر عمیقی بر جای گذاشت که همگی از شدت خشم و ناراحتی صدا به ضجه و ناله بلند کردند و یزید ملعون با قدرت ظاهری اش نتوانست آنرا مهار کند. با این حال برای آن که خود را از این خطر سهمگین برهاند، یزید راهی جز عذرخواهی از اسیران ندید و مجبور شد در همان شام، روش خودش را عوض کند و محترمانه اسراء را به مدینه بفرستد، بعد تبری بکند و بگوید: خدا لعنت کند ابن زیاد را، من چنان دستوری نداده

بودم، او از پیش خود این کار را کرد. البته این از نیرنگ های
یزید بود که با توسل به آن می خواست اعمال ننگین خود را
بپوشاند و از طرفی جو آشفته را آرام کند.^۱

۱ - زینب کبری علیها السلام فریادی بر اعصار، ص ۱۷۹-۱۷۸ - حماسه حسینی، ج ۱ ص ۱۷۹.

زینب علیها السلام پیام رسان کربلا

قیام عاشورا و نهضت امام حسین علیهم السلام، دو مرحله داشت: مرحله نخست، مرحله مبارزه، جهاد و شهادت، مرحله دوم، مرحله پیام‌رسانی و بیدارگری بود.

اگر نهضت امام حسین علیهم السلام در همان مرحله نخست خلاصه می‌شد و کسی نبود که پیام نهضت را به گوش مردم آن زمان برساند، ماه‌ها زمان لازم بود تا به طور طبیعی خبر قیام امام علیهم السلام به شهرهای اطراف برسد. شاهد این مدعی این است که پیش از ورود اهل بیت امام علیهم السلام به مدینه، مردم آن شهر هنوز از رویدادهای کربلا بی‌خبر بودند. در این مدت یزیدیان با آن همه امکانات تبلیغاتی، که در اختیار داشتند، به راحتی می‌توانستند، وقایع کربلا را در راستای منافع خود تحریف کنند و به گونه‌ای به گوش مردم برسانند که برای حکومت یزید کم‌ترین ضرر و زیان را در برداشته باشد. در این صورت تا حد بسیار زیادی از تأثیر قیام امام حسین علیهم السلام در جامعه آن زمان و جوامع آینده مسلمانان کاسته می‌شد، و به طور قطع ما امروز شاهد این همه آثار و برکات برای نهضت امام حسین علیهم السلام نبودیم. به هر حال اگر تلاش بی‌نظیر و فداکاری کامل زینب نبود، به یقین جریان کربلا را بنی امیه یا به فراموشی می‌سپردند یا از مسیر حیات‌بخش خود منحرف می‌کردند.

رحلت حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام پس از شهادت امام حسین علیهما السلام، عمری طولانی نکرد. بنا به نقل مشهور و طبق اسناد معتبر ایشان پس از یک سال و نیم از واقعه کربلا، دنیا را وداع گفته و به دیدار حق شتافته اند. در تاریخ روز و سال وفات حضرت زینب علیها السلام اختلاف اقوال بسیار است. ولی از تتبع در روایات و مدارک می توان گفت که حضرت زینب علیها السلام در نیمه رجب سال ۶۲ هـ ق در ۵۶ سالگی رحلت نموده اند.

راجع به محل دفن حضرت زینب علیها السلام اختلاف نظر وجود دارد بعضی مانند: مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه محل دفن حضرت زینب علیها السلام را مدینه دانسته و برخی دیگر مانند سید یحیی بن حسن عبیدلی نسابه در کتاب «اخبار الزینبیات» محل دفن را در مصر و عده ای از مورخین محل دفن آن بانوی قهرمان را در شام (سوریه فعلی) می دانند. قول اول: (مدینه منوره) ظاهراً هیچ مدرکی به جز حدس ندارد و مبتنی بر این نظریه احتمالی است که چون حضرت زینب علیها السلام پس از حادثه کربلا به مدینه مراجعت کرده است. چنانچه رویداد تازه ای پیش نیامده باشد، به طور طبیعی در مدینه از دنیا رحلت نموده است. و نیز به طور طبیعی در بقیع،

آرامگاه خاندان پیامبر ﷺ دفن شده است. در مورد قول دوم (قاهره مصر) نیز مدرک درستی در دست نیست. اما قول سوم که مرقد حضرت زینب علیها السلام را در دمشق می داند از شهرت و معروفیت بیشتری برخوردار است، و موید به شواهد و قرائن مختلف است.

البته تفاوتی ندارد که مرقد ایشان در کجا بوده است. آنچه اهمیت دارد شعاع آن آفتاب روشنایی بخش است که در طول قرن ها پر فروغ و الهام بخش همه انسانهای مدافع از حق و حقیقت و آزادگی است و در واقع مزار ایشان قلب های همه ارادتمندان و عاشقان اهل بیت علیهم السلام است. به هر حال در ظاهر هم آنچه که امروز معروف و مشهور است مزار ملکوتی آن حضرت (دمشق/سوریه) اینک زیارتگاه عاشقان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می باشد.^۱

۱- حضرت زینب علیها السلام، فروغ تابان کوثر - صص ۲۸۳ و ۲۸۴ - زینب کبری علیها السلام، فریادی بر اعصار صص ۱۱۳- ۲۰۰ داستان از فضایل و کرامات و مصایب حضرت زینب علیها السلام، صص ۱۶۹ و ۱۷۰.

منابع و مآخذ :

- ۱ - حضرت زینب ، فروغ تابان کوثر ، محمد محمدی
اشتهاردی، انتشارات برهان ، قم ، چاپ اول ، ۱۳۷۶.
- ۲ - الطراز المذهب ، میرزا عباسقلی سپهر ، انتشارات کتاب
فروشی ، قم ، ۱۳۳۹ .
- ۳ - زینب کبری ، علامه شیخ جعفر نقدی ، المنشورات
الرضی ، قم ، ۱۳۶۲ .
- ۴ - سیمای زینب کبری علیها السلام اسوه صبر و پایداری ، علی
اکبر بابازاده .
- ۵ - زینب قهرمان، دختر علی علیه السلام ، احمد صادقی اردستانی،
نشر مطهر تهران ، چاپ اول ۱۳۷۲ .
- ۶ - یادگار خیمه های سوخته ، علیرضا رجالی تهرانی
(ترجمه ی کتاب : مع بطله کربلا ، نوشته : محمد جواد
مغنیه) نشر دارالصادقین ، قم ، چاپ اول ۱۳۷۹.
- ۷ - در مکتب فاطمه علیها السلام ، عبدالکریم پاک نیا .
- ۸ - سحاب رحمت (تاریخ و سوغنامه حضرت
سید الشهداء علیه السلام) عباس اسماعیلی ، مسجد مقدس
جمکران.
- ۹ - داستانهایی از حضرت زینب علیها السلام ، شهید احمد میر
خلف زاده و قاسم میر خلف زاده ، قم ، چاپ اول ، ۱۳۷۸ .

- ۱۰- زندگانی حضرت زینب علیها السلام، آیت... شهید عبدالحسین دستغیب، موسسه انتشارات کاوه .
- ۱۱ - امام حسین آفتاب تابان ولایت، محمد محمدی اشتهاردی، انتشارات روحانی .
- ۱۲ - الخصائص الزینیه، علامه جزایری .
- ۱۳ - ۲۰۰ داستان از فضائل و کرامات و مصائب حضرت زینب علیها السلام، عباس عزیزی، انتشارات سلسله، چاپ سوم، قم، ۱۳۷۹ .
- ۱۴ - زندگی حضرت زینب، (رسالتی از خون و پیام) علی قائمی، انتشارات امیری، ۱۳۷۲ .
- ۱۵ - زینب کبری فریادی بر اعصار، اسماعیل منصوری لاریجانی، مرکز نشر فرهنگ آیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ .
- ۱۶ - کامل الزیارات، جعفر بن محمد قولویه القمی، الاولى، ۱۴۱۷، مؤسسه ی النشر الفقاهه .
- ۱۷ - سوگنامه کربلا، محمد طاهر دزفولی، انتشارات مومنین.
- ۱۸ - سیمای حضرت زینب علیها السلام، محمد مهدی تاج لنگرودی .
- ۱۹ - جلوه های عرفانی نهضت حسینی، محمد امین صادق ارزگانی، انتشارات بوستان، کتاب قم .
- ۲۰ - زندگی زینب علیها السلام، رسولی محلاتی .

- ۲۱ - اکمال الدین و اتمام النعمه ، شیخ صدوق .
- ۲۲ - زینب کبری علیها السلام عقيله بنی هاشم ، حسن الهی .
- ۲۳ - زیباترین شکیب ، اکبر اسدی و مهدی رضایی ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم ، چاپ اول ، ۱۳۷۴ .
- ۲۴ - گفتار های معنوی ، شهید مرتضی مطهری .
- ۲۵ - نفس المهموم ، شیخ عباس قمی .
- ۲۶ - با کاروان حسینی از مدینه تا مدینه ، محمد جعفر طبسی ، عبدالحسین بینش .
- ۲۷ - حماسه ی حسینی ، شهید مطهری .
- ۲۸ - بحار الانوار ، علامه مجلسی .
- ۲۹ - الغیبه ، شیخ طوسی .
- ۳۰ - الارشاد ، شیخ مفید .